



اعتبارسنجی کتاب

«بشارة المصطفى لشيععة المرتضى»

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲، بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲، پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

رقیه‌علی‌زاده^۱

چکیده

کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» از عمادالدین قاسم طبری در راستای فضایل‌نگاری خاندان پیامبر اکرم (ص) تألیف شده و فضایل حضرت علی (ع) بیشترین میزان فضایل را به خود اختصاص داده است. کتاب مذکور در تحقیقات دینی و مطالعات مرتبط با قرآن و عترت مورد استفاده اندیشمندان قرار می‌گیرد و از این رو، اعتبارسنجی روایات و مطالب مندرج در آن حائز اهمیت است. هدف از انجام این تحقیق روش‌شناسی و بررسی صحت و سقم مطالب این کتاب و نیز اثبات دلیلی بر حقایق شیعیه است که به روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل محتوا پس از مراجعه به مصادر و منابع متنوع و فیش‌برداری از آن‌هاست. پس از بررسی و تحقیق در محتوای کتاب این نتیجه به دست آمد که کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» در زمینه اثبات منزلت ائمه (ع) و حقایق شیعیه و شناخت عالمان شیعی کتابی معتبر با روایات غالباً مسند است که از منابع مهم فریقین گردآوری شده است؛ ضمن اینکه کاستی‌هایی مثل دقیق نبودن برخی الفاظ حدیثی و کامل نبودن ذکر منابع حدیث را نیز دارد.

کلیدواژه‌ها: فضایل، اهل بیت (ع)، شیعه، طبری، بشاره المصطفى.

۱. مقدمه

۱-۱. مسئله پژوهش

مناقبت‌نگاری یکی از سبک‌های تألیف در حوزه تدوین حدیث به شمار می‌رود. تاریخچه نگارش در این حوزه به سده‌های نخستین تاریخ اسلام بازمی‌گردد. بدین گونه که بخشی از روایات نقل شده از پیامبر ﷺ درباره برخی صحابه است که به فضایل آنان پرداخته و در مناسبت‌های گوناگون از آنان یاد شده است. بخش مهم این فضایل در محدوده سبق در اسلام، ایمان، هجرت، جنگ با کفار، بذل جان و مال و عزیزان در راه گسترش اسلام و جز این‌هاست (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۲۷-۳۳۱). در این میان خاندان پیامبر ﷺ بیشترین میزان فضایل را به خود اختصاص داده و از میان آنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که به اتفاق تمامی مؤرخین، محدثین و سیره‌نگاران و فضایل‌نویسان، بیشترین نوع فضیلت را دارا بوده یا کسب کرده است. از آنجا که بخش گسترده‌ای از احادیث نبوی ﷺ درباره اهل بیت (علیهم السلام) با منافع و مصالح دستگاه حاکم در تقابل و تضاد بوده است، دستگاه حاکم اموی و کارگزاران آن‌ها بر آن شدند تا از نشر و گسترش آن‌ها جلوگیری کنند. از تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان به در پیش گرفتن سیاست منع نقل و تدوین حدیث، جعل وضع احادیث در منقبت و فضیلت خلفا و صحابه و شکنجه و آزار شیعیان و دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) اشاره کرد. حقیقت آن است که علما و مورخان در این حوزه، تلاش وسیعی کرده‌اند و حجم عظیم کتاب‌هایی که به گونه‌ها و از زاویه‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند شاهد این مدعاست.

روایات مربوط به منزلت شیعیان و بیان اعتقادات ایشان در کتاب‌های اولیه شیعه مانند کتاب امالی شیخ طوسی، فضایل الشیعه شیخ صدوق، تفسیر فرات، مناقب ابن شهر آشوب، احتجاج طبرسی و ... جمع‌آوری شده و از جمله کتاب‌هایی که به اثبات حقانیت مذهب شیعه از کلام پیامبر اکرم ﷺ پرداخته، کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» است.

کتاب بشارة المصطفى از منابع مورد اعتماد علمای شیعه است که توسط عماد

الدین قاسم طبری آملی، به نحو شایسته‌ای تدوین شده و موضوع آن، اثبات امامت ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، منزلت و درجات شیعه و کرامات اولیای الهی و پیروان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است. متأسفانه بر اثر سهل‌انگاری و تهاجمات فرهنگی و نظامی مخالفان به کیان تشیع در طول تاریخ که موجب شده بسیاری از آثار ارزشمند شیعه از میان برود، بخش‌هایی از این کتاب نیز از بین رفته است. در این مقاله در پی روش‌شناسی و بررسی روایات موجود در این کتاب هستیم که در دو بخش فضایل نویسی و تحقیقی در کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» تنظیم شده است. در بخش اول پس از مفهوم‌شناسی فضایل، نمونه‌هایی از کتب فضایل‌نگاری ذکر و بحث احتمال جعل و تحریف در روایات فضایل نیز اشاره شده و در آخر به جهت وصل دو بخش ارتباط روایات فضایل با روایات بشارات تبیین شده است. در بخش دوم نیز مباحثی از قبیل موضوع، محتوا، فواید، منابع، مستخرجات کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» و بررسی روش و سیره مؤلف در آن ذکر شده است.

۱-۲. اهداف، ضرورت و روش پژوهش

هدف از انجام این تحقیق، تهیه و ارائه کتاب‌شناسی جامع، توصیفی و تحلیلی از کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» عمادالدین قاسم طبری است تا تصویر جامعی از این کتاب برای پژوهشگران فراهم کرده باشیم؛ چراکه تاکنون کتاب‌شناسی جامعی از این منبع دست اول شیعه و تحلیل مطالب آن وجود ندارد و نیز برای برنامه‌ریزی پژوهش‌های آینده، لازم است بدانیم در این موضوع چه کارهایی انجام شده و کتاب مذکور چه کیفیتی داشته و از چه جنبه‌هایی مغفول مانده است. روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای است که پس از گردآوری داده‌ها از کتاب‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف، محتوا با تحلیل‌های کیفی و کمی ارائه شده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در باره فضیلت شیعه و محب اهل بیت (علیهم‌السلام)، روایات بسیاری در کتاب‌های شیعه و اهل

سنت نقل شده است. کتابی که در خصوص فضایل شیعه نوشته شده باشد، «فضایل الشیعه» شیخ صدوق و «شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت» نوشته علی تهرانی (۱۳۹۷ ق) است که ترجمه جلد ۶۵ بحار الانوار از مجموعه ۱۱۰ جلدی طبق چاپ بیروت، مطابق قسمت وسط از جلد ۱۵ بحار از مجموعه ۲۵ جلدی چاپ کمپانی است که این دو بررسی و اعتبارسنجی نشده است.

درباره اعتبارسنجی می توان به این منابع اشاره کرد:

کتاب اعتبارسنجی احادیث شیعه (زیرساخت‌ها، فرآیندها، پیامدها) از سیدعلی رضا حسینی شیرازی.

ندیمی تهرانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «اعتبارسنجی احادیث رستگاری شیعیان در نسخه خطی «سلم درجات الجنه» احادیث مربوطه را از لحاظ سندی و متنی بررسی کرده اند.

درباره کتاب «بشارة المصطفى» این منابع را می توان نام برد:

پاک‌نیا (۱۳۸۷) در شماره‌های مختلف نشریه «مبلغان» با مقاله‌هایی با عنوان «آشنایی با منابع دست اول شیعه» به معرفی منابع مختلف شیعه پرداخته و کتاب بشارة المصطفى را معرفی کرده است. موسوی (۱۴۰۰) در مقاله «گونه‌شناسی روایات غدیر در بشارة المصطفى» انواع روایات رویداد غدیر در این کتاب را بررسی کرده است. صالحی و دلبری (۱۴۰۱) در مقاله «توثیق عام و کتاب بشارة المصطفى عَلَيْهِ السَّلَامُ لشیعة المرتضى» توثیق عمومی روایان این کتاب را بررسی کرده اند. موضوع اعتبارسنجی یک نوشته یا کتاب، موضوعی منحصر به فرد است که هر نوشتاری را متفاوت از دیگری می کند و تلاشی خاص تر می طلبد.

۲. مبانی نظری

مطالعه فضایل شیعه در روایات مبتنی بر مبانی نظری خاصی است که ریشه در باورهای

کلامی، تفسیری و حدیثی شیعه دارد. از جمله اعتقاد به اینکه امامان شیعه جانشینان بلافصل پیامبر ﷺ و حافظان دین هستند. باور به مصونیت ائمه (علیهم السلام) از خطا و گناه و دارا بودن علم لدنی ایشان که اعتبار روایات منسوب به آن‌ها را تقویت می‌کند. پذیرش اینکه برخی آیات قرآن درباره فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان آن‌ها نازل شده است. نوشتن حدیث در فضایل شیعه مستلزم قبول حجیت سنت ائمه (علیهم السلام) و اعتقاد به اینکه سخنان و رفتار ائمه (علیهم السلام) همانند سنت پیامبر ﷺ حجت بوده و نیز پذیرش اعتبار اصول اربعمائه (۴۰۰) اصل حدیثی اولیه که مستقیم از ائمه (علیهم السلام) نقل شده اند) است. فهم دقیق این روایات بدون توجه به این مبانی ممکن نخواهد بود. این روایات علاوه بر چالش چگونگی مواجهه با روایات متفاوت درباره فضایل و تفکیک بین آنچه جزو باورها و آنچه گزارش تاریخی محض است، با مشکل نقد سندی و متنی در روایات فضایل نیز مواجه‌اند. در این پژوهش به منظور بررسی سندی، مواردی چون اعتبار کتاب، نحوه اتصال و گسستگی روایات کتاب، ضعف و توثیق راویان و به منظور بررسی متنی، به علت اشاره نشدن به فضایل خاص شیعه در قرآن، بیشتر بر تایید متن روایات در منابع دیگر تاکید شده است.

۱-۲. فضایل نویسی

۱-۱-۲. مفهوم‌شناسی فضایل

واژه «فضیلت» (مفرد فضایل) از ریشه «ف ض ل» مشتق شده و در مقابل «نقیصه» (جوهری)، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۷۹۱: ۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۱: ۵۲۴؛ طریحی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۴۰۹) قرار دارد که در کاربرد لغوی، به معنای «احراز برتری درجه در اثر انجام فضل (احسان، نیکی و ...)» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷: ۴۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۱: ۵۲۴؛ فیروزآبادی، ج ۴: ۳۱؛ طریحی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۴۰۹) به کار رفته است. با توجه به معنای لغوی این واژه، فضیلت یا فضایل عبارت است از صفت یا صفات برجسته و نیکویی که سبب برتری یک فرد یا گروه نسبت به دیگران می‌شود.

۲-۱-۲. پیشینه فضایل نویسی

درباره پیشینه فضایل نویسی باید به دو نکته اشاره کرد: یکی اینکه رسول مکرم ﷺ در موارد بسیاری به بیان فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و حضرت علی (علیه السلام) پرداخته و بر برتری آنان نسبت به دیگر اشخاص اشاره داشته است. این شیوه با الهام از قرآن و سخنان پیامبر ﷺ است که همواره مردم را به دوستی و موَدّت اهل بیت (علیهم السلام) دعوت می کردند؛ اما به دلیل وجود برخی مشکلات و موانع سیاسی و اجتماعی، نگارش و تألیف در زمینه مناقب و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) رونق چندانی نداشته، ولی با گذشت زمان و دگرگونی شرایط، نگارش کتاب‌ها و رساله‌ها در این حوزه، رشد چشمگیری یافته است.

نکته دیگر اینکه نخستین و جدی‌ترین عرصهٔ رویارویی دو گروه از مسلمانان، برای دستیابی به يك آرمان مهم سیاسی، «رخداد سقیفه» است که در پی آن، مهاجران و انصار برای در دست گرفتن جایگاه مهم خلافت، به اثبات لیاقت خویش پرداخته و فضایل و مناقب خویش را پیش کشیدند.

برای آشنایی با پیشینه فضایل نویسی (و مناقب نویسی) نمونه‌ای از آثار اشاره می‌شود.

الف. پیشینه فضایل نویسی (اهل بیت) در آثار شیعه (تا اوایل قرن چهارم هجری)

نام کتاب	نام مولف	سال وفات
الفضایل	جابر بن یزید الجعفی	۱۲۸ ق.
الفضایل	ابان بن تغلب بن رباح ابوسعید البکری	۱۴۱ ق.
الفضایل	ابومنذر زهیر بن محمد الخراسانی	۱۶۲ ق.
فضایل امیرالمومنین (علیه السلام)	الحسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی	۱۶۰ ق.
جزء فی خطبة النبی (علیه السلام) فی يوم الغدير*	الخلیل بن احمد النحوی [الفراهیدی]**	۱۷۰ ق.

(رقیه علی زاده)

قرن دوم	زگار بن الحسن الدینوری العلوی	الفضایل
قرن دوم	زکار بن یحیی الواسطی	الفضایل
هم طبقه سعد ابن عبدالله اشعری (۲۰۱ ق.)	ابوالعباس المفسر الضریب احمد بن الحسن الأسفرائینی	المصابیح فی ذکر منازل من القرآن فی أهل البيت (علیه السلام)
۲۲۱ ق.	نضر بن مزاحم منقری عطار کوفی	کتاب المناقب
قرن سوم	ابوموسی هارون بن عمر بن عبدالعزیز بن محمد المعاشعی	ما نزل فی القرآن فی علی (علیه السلام) ما نزل من القرآن فی أمير المؤمنين (علیه السلام)
قرن سوم	ابوجعفر محمد بن أورمة القمی	ما نزل فی القرآن فی أمير المؤمنين (علیه السلام)
حدود سال ۲۵۰ / ۲۹۹ ق.	ابوالحسن علی ابن مهزیار الأهوازی	الفضایل
تا سال ۲۶۷ ق. زنده بوده است.	ابوعبدالله یحیی بن زکریا بن شیبان الکندی	الفضایل
۲۶۰ ق.	الفضل بن شاذان بن الخلیل الأزدی النیشابوری	فضل أمير المؤمنين (علیه السلام)
قرن سوم	ابوالقاسم هارون ابن مسلم بن سعدان	الفضایل
قرن سوم	ابراهیم بن رجاء الجحدری	الفضایل
قرن سوم	محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الاشعری القمی	ما نزل من القرآن فی الحسين ابن علی (علیه السلام)
۲۸۳ ق.	ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم الثقفی	الحجة فی فضل المکرمین
۲۸۳ ق.	ابواسحاق ابراهیم بن محمد الثقفی	ما نزل من القرآن فی أمير المؤمنين (علیه السلام)
۲۸۳ ق.	ابواسحاق ابراهیم بن محمد الثقفی	کتاب المودة فی ذوی القربی
۲۸۶ ق.	حسین بن الحکم بن مسلم الحبری ابوعبدالله الکوفی	ما نزل من القرآن فی علی

۲۹۰ ق.	محمد بن حسن بن فروخ الصفار الأعرج القمی	بصائر الدرجات فی فضایل آل محمد
۲۹۹ یا ۳۰۱ ق.	ابوالقاسم سعد بن عبدالله بن أبی خلف الأشعری القمی	فضل أبی طالب و عبدالمطلب و أبی النبی
۳۰۲ ق.	ابی احمد عبدالعزيز جلودی	الفضایل

* خلیل بن احمد فراهیدی، لغت‌شناس شهیر، نخستین کسی است که تکنگاری در فضیلت خاصی را در اثر خود در زمینه فضایل اهل بیت (علیهم السلام) مورد توجه قرار داده است.

** درباره مذهب وی در منابع متقدم اظهار نظر واضحی نشده است.

ب. پیشینه فضایل نویسی (اهل بیت) در آثار اهل سنت

سال وفات	نام مولف	نام کتاب
۲۴۰ ق.	ابوجعفر الاسکافی محمد بن عبدالله المعتزلی البغدادی	المعیار و الموازنة (فی تفضیل علی <small>علیه السلام</small>)
۲۴۰ ق.	ابوجعفر الاسکافی محمد بن عبدالله المعتزلی البغدادی	فضایل علی <small>علیه السلام</small>
۲۴۱ ق.	احمد بن حنبل	المناقب
قرن سوم	ابوالحسن معلی بن محمد البصری	فضایل أمير المؤمنين <small>علیه السلام</small>
۲۵۵ ق.	جاحظ ابو عثمان عمرو بن بحر البصری المعتزلی	تفضیل بنی هاشم علی من سواهم
۲۵۵ ق.	جاحظ ابو عثمان عمرو بن بحر البصری المعتزلی	فضایل سلاله النبی <small>علیه السلام</small> (جزء فی...)
۲۵۵ ق.	جاحظ ابو عثمان عمرو بن بحر البصری المعتزلی	فضل هاشم علی عبد شمس
۱۸۲-۲۶۲ ق.	ابو یوسف السدوسی یعقوب بن شیبۀ بن الصلت بن عصفور	فضایل علی و تسمیة من روى عنه من أصحابه
۱۸۲-۲۶۲ ق.	یعقوب بن شیبۀ بن الصلت بن عصفور	تفضیل الحسن و الحسین <small>علیهما السلام</small>

(رقیه علی زاده)

۲۸۱ ق.	ابن ابی الدنيا ابوبکر عبد الله بن محمد بن عبید	فضایل علی
۲۹۴ ق.	عبید ابن کثیر بن محمد العامری الکلابی	الفضایل
۳۶۳	نعمان بن محمد تمیمی مغربی	شرح الاخبار فی فضایل الائمة الاطهار
۳۶۹ ق.	ابو عبد الله حسن بن علی بصری معتزلی	الدرجات فی تفضیل علی علی سائر الصحابه
۴۸۳ ق.	ابن مغازی	المناقب والفضایل

ج. کتاب‌هایی درباره فضایل نویسی (غیر اهل بیت)

سال وفات	نام مولف	نام کتاب
۱۱۰ ق.	الحسن بن یسار البصری	فضایل مکه والسکن فیها
۳۰۳ ق.	النسائی	فضایل الصحابة
۳۰۸ ق.	ابن ابراهیم الجندی	فضایل المدينة
۳۸۱ ق.	الشیخ الصدوق	فضایل الأشهر الثلاثة
۳۸۸ ق.	الحسین بن أحمد بن بکیر	فضایل التسمية بأحمد ومحمد
۴۵۸ ق.	البیهقی	فضایل الأوقات
۴۶۳ ق.	ابن عبد البر	لإنتقاء فی فضایل الثلاثة الأئمة الفقهاء
۶۵۸ ق.	ابی مختار بن محمود زاهدی	فضایل شهر رمضان
۶۹۲ ق.	الإسعدی	فضایل سنن الترمذی
۱۳۲۰ ق.	میرزا حسین النوری الطبرسی	فس الرحمن فی فضایل سلمان
معاصر	محمد حیاة الأنصاری	فضایل العدیدة

از آنچه گفته شد، برمی آید مناقب، تنها درباره افراد نگاشته می شد؛ ولی گستره و

شمول فضایل بیش از افراد بوده است؛ چراکه نویسندگان فضایل، به برتری‌های شهرها، قبیله‌ها، مذهب‌ها و... نیز می‌پرداختند.

۲-۱-۳. احتمال جعل و تحریف در روایات فضایل

یکی از محورهای عمده‌ای که تعداد زیادی از روایات مجعول را به خود اختصاص داده، فضایل نویسی است. بر اساس رخدادهای مهم تاریخی «منع نقل و تدوین حدیث»، حاکمان اموی با تکیه بر پندار و رفتار باطل خویش و با بهره‌گیری از کارگزاران بی‌کفایت و سنگدل کوشیدند تا با تبلیغات منفی ضد اهل بیت (علیهم‌السلام) و پنهان نگاه داشتن فضایل و مناقب آن‌ها و در مقابل تبلیغات دروغین و بی‌پایه در مشروع جلوه دادن اقدامات حاکمان اموی و جعل احادیثی در فضایل خلفا و صحابه به هدف ناحق خویش و دور ساختن افکار جامعه از مسیر حق و حقیقت جامعه عمل بپوشانند (معارف، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۶). بسیاری از فضایل و مناقب که در روایات اهل سنت به‌عنوان واقعیت‌های مسلم، به صحابه و خلفا نسبت داده می‌شود، نتیجه سلسله روایات مجعولی است که دستگاه معاویه برای مقابله با مناقب و ارزش‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) ساخته و پرداخته است. این حقیقتی است که بعضی از نویسندگان اهل سنت به‌صراحت به آن اعتراف کرده‌اند. ابن ابی الحدید، فرمان معاویه به کارگزاران و عاملانش را راجع به جعل روایت در فضایل خلفا صحابه، به منظور مقابله با مناقب علی (علیهم‌السلام) و اهل بیت (علیهم‌السلام) به صورت مفصل نقل می‌کند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸ق، ج ۱۱: ۴۴). از این متن تاریخی و نظایر آن برمی‌آید که ایجاد شخصیت و قداست برای خلفا و صحابه از طریق جعل حدیث، فصل مهمی از تلاش‌های حکومت معاویه را تشکیل می‌داده است (امینی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۹۷).

از سوی دیگر، حرکت فضایل تراشی برای خلفا به‌خصوص عثمان به‌عنوان حربه‌ای برای سرکوب امیرالمؤمنین (علیهم‌السلام) و بنی‌هاشم و شیعیان آن حضرت از سوی معاویه (نعمانی: ۷۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸ق، ج ۱۱: ۴۶) و جناح عثمانی طرفدار امویان در قرن اول و دوم و از طرف اهل حدیث و حنبله در قرن سوم و چهارم، جامعه شیعه را عملاً به واکنش وادار می‌داشت که به صورت‌های مختلف از جمله مثالب‌نویسی صحابه (البته نه همه صحابه،

بلکه افراد خاص) و مناقب نویسی اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص امیرالمؤمنین (علیه السلام) ظهور و بروز می کرد؛ هر اندازه آنان در بزرگ‌نمایی خلفا و صحابه پیش می‌رفتند، اینان نیز بر نقل اخبار تاریخی که به‌گونه‌ای بیان‌کنندهٔ مثالب صحابه بود، اصرار می‌کردند. این واکنش‌ها تنها یک سویه نبود، بلکه گاه اهل سنت سبب تحریک شیعیان می‌شدند و گاه برعکس (هدایت‌پناه، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

انگیزه‌های مختلفی از جمله توجیه خلافت و حکومت، فضیلت‌سازی و منقبت‌پردازی برای خلفا و صحابه، بدنام کردن بنی‌هاشم و اهل بیت (علیهم السلام)، دوستی‌های جاهلانه و دشمنی‌های مرموزانه و ... در پدید آمدن روایات مجعول در زمینه‌های مختلف و از جمله فضایل، نقش بازی کرده و این نتیجه را به دست می‌دهد که در استناد به این‌گونه روایات باید با احتیاط عمل کرد.

۲-۱-۴. ارتباط روایات فضایل با روایات بشارات

با توجه به اینکه در نظر داریم در بخش بعدی کتاب «بشاره المصطفی لشیعۃ المرتضی» را مورد مذاقه قرار دهیم و موضوع این کتاب جمع‌آوری روایات بشارات است، تبیین ارتباط روایات فضایل با روایات بشارات خالی از فایده نیست. عرصه‌ها و موضوعات مختلفی در زمینه مناقب و فضایل مطرح است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. فضایل برخاسته از رابطه فرد با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

الف. وجود مشابهتی در فرد با پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانند همانمی با پیامبر، شباهت خلقی و خلقی، همسانی و هماهنگی راه و روش.

ب. نوعی رابطهٔ دوستی یا عاطفی میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و افراد مانند همراهی و مصاحبت با پیامبر، برادری و دوستی با پیامبر.

ج. برخورداری فرد یا افرادی از دعا یا عنایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانند برخورداری یک فرد یا قبیله از دعای پیامبر، برخورداری از عنایت پیامبر در دفع یک بلا یا مرض.

د. برخورداری فرد از بشارت و وعده نبوی ﷺ در زمینه‌های گوناگون مانند اظهار امیدواری حضرت به بهره‌مندی شخص از خیر یا امتیازی ویژه در جهان واپسین، بشارت به بهشت از سوی، بشارت پیامبر ﷺ به شخص مبنی بر دوری شیطان از او و مصونیت وی از حیل‌های او.

ه. اعطای لقبی از سوی پیامبر ﷺ به فرد مانند القاب صدیق، شهید، شهید الحی.

و. غیر از موارد فوق همچون تحسین و تمجید شخص از سوی پیامبر به دنبال موفقیت وی در تجارت، تمجید پیامبر ص از يك فرد، گروه یا قبیله با عبارت‌های «نِعْمَ الرَّجُلُ فُلانٍ» یا «نِعْمَ الرَّجُلُ فُلانٍ لَوْ...» (اصغرپور، ۱۳۸۶: ۲۸۱-۲۸۵)

۲. عرصه دینی

الف. تدین افراد و مسائل مربوط به آن مانند اجرای اسلام آوردن افراد در زمان پیامبر ﷺ، پیشگامی فرد در اسلام آوردن و مسلمان شدن بسیاری از مردم در پی اسلام آوردن وی، سخن پیامبر ص مبنی بر بقای اسلام فرد تا لحظه مرگ و ...

ب. فضایی مرتبط با قرآن و نزول آن برای افراد مانند توصیه پیامبر ﷺ به شنیدن (فراگیری) قرآن از فرد یا افرادی معین، تلاوت شبانه قرآن و ...

ج. معرفی فرد یا افرادی به‌عنوان الگو و پیشوای دینی برای دیگران مانند توصیه پیامبر ﷺ مبنی بر نماز خواندن مسلمانان به امامت شخصی معین، سخن پیامبر به مردم مبنی بر در پیش گرفتن راه و روش عمّار.

۳. عرصه نظامی امنیتی مانند حضور در جبهه‌های نبرد با دشمن، جنگ‌آوری، جراحت دیدن در جنگ و ...

۴. عرصه اخلاقی مانند راستگویی، غیرت، حیا، جود و بخشش و ...

۵. روایات متفرقه مانند فصاحت، تمجید پیامبر از يك فرد با عبارت‌های «نِعْمَ الرَّجُلُ فُلانٍ» یا «نِعْمَ الرَّجُلُ فُلانٍ لَوْ...» و ...

۶. روایات اختصاصی اهل بیت (علیهم السلام) مانند دستور (توصیه اکید) پیامبر مبنی بر محبت نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) پاسداری [حریم] اهل بیت پیامبر، یادکرد امام حسن (علیه السلام) از سوی پیامبر با عنوان سرور و...» (همان: ۲۹۰-۲۹۳)

«بشارت» را می توان بازگویی خبری که سرور و شادی در بردارد، معنا کرد. بدیهی است که تنها در صورتی شنونده از شنیدن خبری مسرور می شود که به حقیقت یا واقعیت تازه ای که فاقد آن بوده یا مثل و مانند نداشته، دست پیدا کند. پیدا کند؛ بنابراین روایات بشارات جزئی از روایات فضایل بوده و رابطه این دو عموم و خصوص من وجه است.

۲-۲. تحقیقی در کتاب «بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى»

۲-۲-۱. معرفی اجمالی کتاب

بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى اثر ابی جعفر محمد بن علی بن رستم طبری معروف به عمادالدین طبری (م. ۵۵۳ ق.م) از علمای قرن ششم هجری است. موضوع این کتاب، اثبات ائمه (علیهم السلام)، منزلت و درجات شیعه و کرامات اولیای الهی و پیروان ائمه (علیهم السلام) بود و چنان که از نام آن پیداست، در اثبات حقانیت مذهب شیعه از کلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است (طبری، ۱۴۲۰ ق: ۸). مؤلف با هدف آشناسازی جامعه شیعی عصر خود با آموزه های عمیق این مکتب، این کتاب را تألیف کرده و در آن جز روایات مسند از مشایخ معتمد خود، نقل نکرده است (همان: ۱۷-۱۸). آقا بزرگ طهرانی در الذریعه درباره موضوع این کتاب می گوید که این کتاب، کتابی است روایی در بیان منزلت تشیع و درجات شیعه و کرامات اولیا و ثوابها و درجاتی که شیعه نزد خداوند دارد که اساسا کتابی بزرگ و دارای هفده بخش بوده، متاسفانه بسیاری از آن مفقود شده و تنها یازده بخش از کتاب باقی مانده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۱۱۷).

کتاب بشارة المصطفى از کتاب های مورد اعتماد علمای شیعه است. این کتاب از منابع مهم علامه حلی، علامه مجلسی، محقق بحرانی، شیخ حر عاملی و دیگران در تدوین و تألیف کتاب های فقهی، کلامی، حدیثی و ادعیه به شمار می رود. این کتاب از آثار مهم

حدیثی کلامی امامیه در قرن ششم است که مورد توجه علمای پس از طبری بوده، چنان که ابن طاووس (م. ۶۶۴ ق.) در آثارش، مطالبی را از آن نقل کرده است (ابن طاووس، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۲۵-۲۷) در بسیاری از منابع از جمله الذریعه نام این کتاب بشاره المصطفی لشيعه المرتضى آمده (تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۱۱۷)، ولی ابن شهر آشوب از این کتاب با عنوان «البشارات» یاد می کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۵۴). برخی محدثان اهل سنت نام کتاب را «بشارة المصطفى فی بیعة المرتضى» و «بشارة المصطفى بشيعه المرتضى» ذکر کرده اند (عسقلانی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ۴۲۹؛ ج ۲: ۲۶۵).

اغلب روایات کتاب «بشارة المصطفى» به صورت کاملاً مسند نقل شده است. این کتاب به خاطر اختصاص داشتن به بیان جایگاه و اهمیت شیعه در اسلام خیلی از فواید مذهبی را در خود جای داده است. کتاب بشارة المصطفى افزون بر این فایده مهم، به دلیل اشتغال بر اسانید تازه و ذکر شماری از عالمان شیعی ایران در سده های پنجم و ششم، کمال اهمیت را دارد و از این دیدگاه هم همواره مورد عنایت بوده است (برای نمونه هایی از این عالمان، رجوع کنید به طبری، ۱۴۲۰ ق: ۲۶، ۷۰، ۸۸، ۹۲، ۹۱، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۳۶۲).

از سویی این کتاب برای شناخت تشیع در کوفه در سده های پنجم و ششم نیز حائز اهمیت است به ویژه در خصوص اسانید زیدیان کوفه، مانند روایات ابوالحسن زیدبن ناصر علوی (برای نمونه، رجوع کنید به طبری ۱۴۲۰ ق: ۴۰)، ابوعبدالله محمدبن علی علوی (همان: ۸۵، ۹۰، ۱۱۵) و ابوالبرکات عمر بن ابراهیم علوی زیدی (برای نمونه، رجوع کنید به همان: ۸۰، ۹۰، ۱۰۹).

۲-۲-۲. آشنایی اجمالی با مؤلف

ابو جعفر، محمد بن ابی القاسم طبری، معروف به عماد الدین طبری^۱ از علمای بزرگ و فقهای امامیه و محدثی متعبد در عرصه علوم اسلامی است. او در قرن پنجم و ششم هجری می زیسته و از خاندان علم و اجتهاد و از ستارگان درخشان حوزه علمیه نجف اشرف

۱. علاوه بر محمد بن ابی القاسم طبری کسان دیگری نیز از دانشمندان به «طبری» معروف هستند. محمد بن جریر طبری نویسنده تاریخ و تفسیر معروف طبری از علمای قرن چهارم از جمله آن هاست.

است. از تاریخ دقیق ولادت و وفات او اطلاعی نداریم؛ اما طبق نوشتاری در الذریعه، وی تا سال ۵۵۳ قمری زنده بوده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۱۱۷). پدر او ابوالقاسم، محمد بن علی از فقهای بزرگوار شیعه بوده و جد او نیز از بزرگان شیعه به شمار می‌رفته و عمادالدین در دامان چنین پدرانی تربیت یافته است (امین عاملی، ج ۱۰: ۱۸).

آنچنان که از اسناد روایات کتاب بر می‌آید، عمادالدین طبری از محضر بزرگانی همچون ابوعلی طوسی فرزند شیخ الطائفه شیخ طوسی (طبری، ۱۴۲۰: ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۳۲، ۳۷، ۴۸، ...)، ابو عبدالله محمد بن شهریار، خازن مرقد امیرالمؤمنین و راوی کتاب شریف صحیفه سجادیه (افندی، ۱۴۰۱: ۶: ۲۲)، (طبری، ۱۴۲۰: ۱۴۲۰: ۷۲، ۳۰، ۲۴، ۹، ...)، شیخ ابوالبقاء ابراهیم بن حسین بصری (همان: ۲۸، ۳۵، ۲۱، ...) و شریف ابو البرکات عمر بن ابراهیم بن محمد بن حمزه حسینی کوفی (همان: ۱۰۹، ۸۵، ۸۰، ۷۳، ...) بهره برده است. او همچنین دانشمندان و نخبگان زیادی تربیت و به جهان اسلام تقدیم کرده که عالم بزرگوار، سعید بن هبة الله راوندی، معروف به قطب الدین راوندی، شمس الدین یحیی بن حسن، ابن بطریق حلّی، ابوالفضل، شاذان بن جبرئیل قمی و عالم بزرگوار، محمد بن جعفر مشهدی مؤلف کتاب معروف مزار از آن جمله‌اند (ابن بابویه رازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۰۷ و ۴۷۳) از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب «الزهد و التقوی»، «شرح مسائل الذریعة» و «الفرج فی الأوقات و المخرج بالبینات» اشاره کرد (سیحانی، ۱۴۱۸: ۶: ۲۹۲).

شیخ آقا بزرگ طهرانی، کتاب‌شناس زبده جهان تشیع می‌نویسد: شیخ عمادالدین بن رستم طبری آملی از راویان فعالی است که به‌طور گسترده از استادانش احادیث پیامبر ص را روایت کرده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۳۵). شیخ حر عاملی نیز درباره عظمت عمادالدین طبری این چنین اظهار نظر کرده است: استاد و پیشوای شیعیان، عمادالدین ابوجعفر محمد علی طبری آملی، از فقیهان مورد اعتماد و از شاگردان شیخ اُبی علی بن شیخ اُبی جعفر طوسی است. وی به نقل از منتجب الدین ادامه می‌دهد که این شخصیت فرزانه از محدثین جلیل القدر و مورد اطمینان است. او کتاب بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى را در ۱۷ بخش به رشته تحریر درآورده است (حرّ عاملی، ج ۲: ۲۳۵).

مشهورترین اثر طبری، بشارة المصطفى لشعبة المرتضى است. از میان آثار طبری، تنها بخش عمده‌ای از بشارة المصطفى بر جای مانده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۱۹). اگر چه شیخ منتجب الدین بابویه او را در رقم ۳۰۸ کتابش نام برده و کتاب‌هایش را ذکر و او را شاگرد ابوعلی طوسی و استاد قطب راوندی معرفی کرده، ولی نامی از کتاب بشارة المصطفى نیاورده است (منتجب الدین، ۱۳۶۶: ۱۳۴)، ولی ابن شهر آشوب مازندرانی که از معاصران طبری است، از این کتاب با عنوان البشارات نام برده است. در کتاب معالم العلماء کتاب البشارات را برای او نام برده که به نظر می‌رسد همین کتاب بشارة المصطفى باشد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۵۲-۵۴).

۲-۲-۳. نسخه‌شناسی

نسخه‌هایی که از این کتاب موجود است عبارتند از:

نسخه خطی در کتابخانه ملک تهران که موقوفه فرهنگی آستان قدس رضوی در تهران است. این نسخه خطی توسط محمدبن حسن خُر عاملی به خط نسخ در سال ۱۰۶۳ قمری نوشته شده و بر روی آن، مهر حر عاملی نیز قابل مشاهده است.

نسخه چاپی در مکتبه امیرالمومنین در نجف اشرف در سال ۱۳۶۹ قمری در ۲۹۰ صفحه. این نسخه با کوشش شیخ حسن جواهری احیا شده است.

نسخه چاپی در قم در سال ۱۴۲۲ ق. در ۴۶۶ صفحه، این نسخه به کوشش جواد قیومی اصفهانی، توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه چاپ شده است. تعداد احادیث این کتاب با توجه به نسخه چاپی در رقم ۵۸۸ حدیث دارد که با حذف احادیث تکراری (۷۸ عدد) ۵۱۰ عدد باقی می‌ماند.

ایشان دو نسخه موجود در نجف و تهران را به طور دقیق با هم تطبیق داده و اختلاف موجود در سند و متن احادیث را ذکر کرده و متن روایات را از کتب دیگر استخراج کرده و در پاورقی آورده است؛ ولی اشکالاتی را نیز در بردارد. از جمله:

۱. در آوردن الفاظ حدیثی دقیق نیست. برای نمونه:

الف. در حدیث اول از جزء اول متن و سند حدیث به طور کامل در امالی شیخ طوسی وجود دارد، ولی با عبارت «أخرجه الشيخ فی أماليه» آورده شده، در حالی که در حدیث چهارم همین جزء سند حدیث بشاره المصطفی با کتاب امالی شیخ طوسی فرق می کند باز لفظ «أخرجه» به کار رفته است.

ب. در حدیث پنجم و هشتم از جزء اول، متن و سند حدیث به طور کامل در امالی شیخ طوسی وجود دارد، ولی با عبارت «رواه الشيخ فی أماليه» آورده شده، در حالی که در حدیث بیستم همین جزء سند حدیث بشاره المصطفی با کتاب عیون اخبار الرضا و امالی شیخ صدوق فرق می کند باز هر دو لفظ «رواه» به کار رفته است. به عبارتی در هر دو صورت چه لفظ حدیث عیناً با منبع اصلی تطابق داشته باشد و چه تفاوت از یک لفظ (رواه) استفاده کرده است.

۲. ذکر منابع در این کتاب کامل نیست. برای نمونه:

الف. در حدیث سوم از جزء اول امالی مفید و تفسیر قمی ذکر نشده است.

ب. در حدیث هشتم از جزء اول امالی مفید و تفسیر فرات ذکر نشده است.

ج. در حدیث دهم از جزء اول روضه الواعظین ذکر نشده است.

د. در حدیث سیزدهم از جزء اول معانی الاخبار ذکر نشده است.

ه. در حدیث بیستم از جزء اول تفسیر فرات و مشکاه الانوار و کافی ذکر نشده است.

و. در حدیث نوزدهم از جزء اول امالی مفید ذکر نشده است.

۳. گاهی احادیث در کتب نام برده شده موجود نیست. برای نمونه:

الف. در حدیث چهل و دوم از جزء سوم، عیون اخبار الرضا و معانی الاخبار ذکر شده که حدیث مذکور در آن کتابها موجود نیست.

ب. در حدیث بیست و دوم از جزء دهم، کشف الغمه ذکر شده که حدیث مذکور در آن کتاب موجود نیست.

۴. نحوه نقل در منابع مشخص نیست. به عبارت دیگر منابع احادیث قبل از طبری و منابع بعد از طبری و نیز منابعی که عین احادیث در آن‌ها نقل شده از منابعی که مشابه احادیث در آن‌ها نقل شده است از هم جدا نشده‌اند.

نسخه‌های خطی موجود این کتاب بیش از چهار فصل نیست و به همین دلیل از نظر محدث نوری بعید به نظر می‌رسد که فصول این کتاب بیش از این باشد، ولی ظاهراً فصول کتاب بیش از چهار فصل است. سید بن طاووس آنجا که خطبه شعبانیه پیامبر ﷺ را در اعمال ماه رمضان آورده (کتاب اقبال الاعمال) از این کتاب نقل کرده است، در حالی که خطبه مذکور در نسخه‌های خطی موجود نیست (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۳۲). ابن حجر در کتاب لسان المیزان در شرح حال اسماعیل بن ابی القاسم بن احمد ابواسحاق آملی دیلمی آورده که او از کتاب بشارة المصطفى روایت نقل کرده، ولی روایت مذکور در این فصول نیست (همان).

کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» توسط سید ابوالفضایل مجتهدی به فارسی برگردان شده است. مترجم نام این کتاب را نیز فارسی برگردان کرده و به «بشارات نبوی به شیعیان علوی» تغییر داده است. این ترجمه در ۴۳۱ صفحه صورت گرفته و موسسه فرهنگی انتشاراتی مکیال در سال ۱۳۷۹ شمسی آن را منتشر کرده است.

۲-۲-۴. بررسی استاد و منابع روایات

از شاگردان و راویان طبری، شاذان بن جبرئیل قمی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۷: ۶۵-۶۶)، قطب‌الدین ابوالحسین راوندی (منتجب‌الدین رازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۷۷)، محمد بن مشهدی (همان، ج ۱: ۷۷۳) و عربی بن مسافر عبادی (همان) ابن شهر آشوب و ابن ادريس حلی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۷: ۴۶) بوده‌اند. استادان وی با توجه به سند روایاتی که در کتاب خود آورده: سید ابوطالب یحیی بن محمد جوانی حسینی حسنی آملی، ابو محمد

حسن بن حسین بن بابویه رازی، ابوالنجم محمد بن عبد الوهاب بن عیسی رازی ریف ابو البرکات عمر بن ابراهیم بن محمد بن حمزه حسینی کوفی، ابوغالب سعید بن محمد بن احمد ثقفی کوفی، ابومحمد جبار بن علی بن جعفر رازی و ابوعلی حسن بن محمد طوسی که ایشان فرزند شیخ طوسی بوده و ظاهراً عمده تحصیلات طبری نزد ابوعلی طوسی بوده است (رازی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۰۷).

با توجه به مشایخی که نامشان در سند روایات کتاب بشاره المصطفی وجود دارد و شاگرد شیخ طوسی هستند، به دست می آید که عمادالدین طبری بخش درخور توجهی از احادیث خود را در این کتاب، از نسخه یا نسخه‌هایی از الأمالی شیخ طوسی روایت کرده است. چون کتاب امالی شیخ طوسی مهم‌ترین کتاب حدیثی شیخ است که در آن احادیث فضایل امامان نقل شده و طبعاً همین متن هم تناسب با موضوع کتاب طبری داشته است و نه کتاب‌های دیگر حدیثی شیخ طوسی. او از سه طریق روایاتی را از الأمالی شیخ طوسی نقل کرده است؛ به ترتیب زمانی، از ابومحمد حسن بن حسین بن بابویه رازی (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۸۰، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۳۲، ۱۹۹، ۲۱۲)، ابوعلی طوسی (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۱۸، ۲۳، ۲۵، ۴۸، ۷۴) و ابوعبدالله محمد بن احمد بن شهریار (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۱۱۳، ۱۸۳)، و گاه به صورت ترکیبی از هر سه استاد (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۱۳۷-۱۳۸، ۱۸۳) یا دو تن از آنان (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۲۰۰، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۴). اسناد روایات بشارة المصطفی نشان می‌دهد که عمادالدین طبری بیشترین نقل از الأمالی شیخ طوسی را از طریق فرزند او، ابوعلی طوسی، کرده است. افزون بر این، عبارات خود طبری (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۱۹۱، ۲۰۶، ۲۱۶) نیز به استفاده وی از منابع مکتوب استادان خود برای تألیف بشارة المصطفی اشاره دارد.

او در تدوین این کتاب علاوه بر کتب شیعه، از آثار بزرگان اهل سنت در زمینه ولایت و امامت مثل الدراية فی حدیث الولاية نوشته ابوسعید مسعود بن ناصر بن ابی زید سجستانی (م. ۴۷۷ ق.) احادیثی را نقل کرده که از لحاظ سند و محتوا حائز اهمیت و مورد اعتماد است.

منابع (که هم سند و هم متن احادیث مذکور در این کتابها عیناً وجود دارد) مورد استفاده عمادالدین طبری در کتاب بشارة المصطفى را می توان به این صورت دسته بندی کرد. شایان ذکر است روایات موجود در چهار فصل از کتاب با اسناد کامل و به صورت مُسند نقل شده است، اما در بقیه فصل ها روایات مرسل نقل شده است و شاید این کار نسخه برداران باشد.

الف. عام: الامالی شیخ طوسی (جزء ۲/ حدیث ۱، ۷۱/۲، ۲۸/۵، ۳۰/۵، ۲۳/۶، ۲۷/۶، ۱۹/۷، ۲۴/۷، ۱/۸، ۱۴/۸، ۲/۹، ۲۱/۹، ۶/۱۱ و ...)، خصال شیخ صدوق (۱/۱۹، ۱/۱، ۲۹/۴۸، ۲/۷).

ب. اخلاقی و اعتقادی: امالی شیخ صدوق^۱ (۳۸/۲، ۳۹/۲، ۴۱/۲، ۲۸/۵، ۱۶/۶، ۳۳/۶، ۲/۷، ۶/۷، ۲۱/۹، ۳۱/۹ و ...)، امالی شیخ مفید (۲۳/۶، ۶/۷، ۲/۹، ۱۹/۲ و ...)، فضایل الشیعه شیخ صدوق (۲۹/۱)، کامل الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه قمی (۱/۳۷)، کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق (۱/۴۸)، التوحید شیخ صدوق (۶/۳۳، ۱۰/۱۲).

ج. تفسیری: تفسیر فرات کوفی (۱/۸)، تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۱/۳).

چنان که مشهود است همه منابع جزو منابع معتبر شیعی است.

۲-۲-۵. منابع تایید کننده متن روایات کتاب^۲

احادیث این کتاب در منابع دیگر فریقین نیز وجود دارد و این به نوعی تایید بر روایات این کتاب است که به مواردی از آن ها اشاره می شود. برای استشهاد، شماره حدیث و شماره جزء کتاب بشارة المصطفى در جلوی منبعی که حدیث در آن کتاب آمده، ذکر شده است.

۱. به باور محققان، امالی شیخ صدوق از نظر موضوع و محتوا بسیار پراکنده تر از امالی شیخ مفید است و موضوعات متنوع تری را دربر گرفته است.

۲. برای اطلاع بیشتر به تحقیق آقای محمدجواد قیومی مراجعه شود.

الف. منابع شیعی^۱

- تحف العقول ابن شعبه حرانی (۱۶/۱، ۴۳/۱، ۱۲/۲) (به عبارت بهتر حدیث ۱۶ و ۱۳ از جزء اول، حدیث ۱۲ از جزء دوم)
- التفسیر عیاشی (۳۷/۵، ۱۷/۸، ۱۷/۸) الاحتجاج طبرسی (۶/۷)
- ثواب الاعمال شیخ صدوق (۱۴۴/۲، ۵۵/۷، ۶/۸)
- الخرائج و الجرائح قطب الدین راوندی (۶۶/۲، ۵۱/۴، ۲۰/۸)
- رجال الکشی (۷۵/۲)
- روضه الواعظین محمدبن حسن فتال نیشابوری (۴۴/۷، ۸/۸، ۱۶/۸)،
- العمده ابن البطریق (۱۲/۱، ۲۳/۷، ۲۲/۱۰)
- عیون اخبار الرضا شیخ صدوق (۱/۲، ۳۶/۲، ۲۴/۳، ۶/۳۳، ۶/۷، ۱۲/۱۰)
- الکافی کلینی (۱۹/۱)
- کامل الزیارات ابن قولویه (۳۰/۷، ۲/۱۱)
- المحاسن احمدبن محمدبن خالد برقی (۲/۱۱)
- مستطرفات السرائر ابن ادريس حلی (۳۵/۷)
- مناقب ابن شهر آشوب (۷۵/۲، ۲۳/۶، ۲۶/۶، ۱۷/۸)
- من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق (۱۲/۱)
- ب. منابع سنی
- تاریخ بغداد خطیب (۴۹/۷، ۱۲/۱۱)
- تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر (۸/۲، ۳۲/۶، ۱/۱۰)
- الدر المنثور سیوطی (۱۰۴/۲)
- سنن أبی داود سجستانی (۱۵/۱۱)
- شواهد التنزیل حاکم حسانی (۲/۱، ۸/۲، ۱۰۴/۲، ۴۹/۷)

۱. به دلیل زیادی این کتب، فقط منابع قبل از طبری ذکر شده است.

سنن الترمذی (۲۶/۶، ۲۳/۷، ۴۹/۷، ۱۵/۱۱)

المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری (۸/۲)

المسند احمد بن حنبل (۱۵/۱۱)

المناقب خوارزمی (۱۲/۱) (جزء ۱ حدیث ۱۲)، ۷۳/۲، ۴۲/۳، ۸۰/۴، ۳/۶، ۱۰/۷، ۷/۴۹،

(۲۲/۱۰)

المناقب مغزلی (۱۲/۱، ۱۱۹/۲، ۲۱/۶، ۴۹/۷)

از ابتدای اسناد روایات کتاب بشارة المصطفی چنین به دست می آید که طبری در سال ۵۱۰ هجری (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۳۲، ۶۵، ۷۰، ۷۵) و در سال ۵۱۶ هجری (رجوع کنید به ص ۱۱۱) و در سال ۵۱۸ هجری (برای نمونه، رجوع کنید به ص ۹۲ و ۱۰۵)، نزد عالمان و محدثان ری به سماع حدیث اشتغال داشته است. البته این احتمال نیز وجود دارد که دو تاریخ اخیر از اغلاط به وجود آمده در اسناد روایات باشد؛ چراکه به گفته خود طبری (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۶۵)، وی از ابوالنجم محمد بن عبدالوهاب بن عیسی رازی در مسجدالغربی یا الغری، در محله‌ای به نام زامهران در ری، در ماه صفر سال ۵۱۰ هجری قرائت حدیث کرده است. دیگر تاریخ‌های مذکور در ابتدای برخی اسناد (برای نمونه، رجوع کنید به صفحات ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۴۵) نیز مؤید سماع و قرائت او در همین سال در ری نزد عالمان اهل این شهر است.

۲-۲-۶. بررسی محتوای کتاب

طبری این کتاب را در ۱۷ جزء تنظیم و مرتب کرده است، اما آنچه هم اکنون در دسترس است، از ابتدای کتاب تا پایان جزء یازدهم آن است (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱۸: ۳). طبری ابواب این کتاب را عنوان‌گذاری نکرده است. هر جزء از کتاب، اختصاص به یک موضوع ندارد و از موضوعات مختلف بحث می‌کند. در آن مباحث ارزشمند و روایاتی در خور توجه از پیامبر ﷺ در اثبات افضلیت و مقام والای شیعه نقل شده و از شعرهای خوبی به مناسبت

و در زمینه‌های مختلف از جمله در فضایل ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و بیان مذمت دشمنان آنان استفاده شده است.

عمادالدین طبری از محضر شماری از محدثان در شهر ری، آمل، نیشابور، نجف و کوفه بهره برده بوده که نام و اسنادشان و نیز زمان و مکان قرائت، سماع و روایت وی از آنان در این کتاب ذکر شده است. از مطالب ویژه آن می‌توان به نقل زیارت اولین زائر کربلا (جابر همراه عطیه عوفی) (طبری، ۱۴۲۰ق: ۱۲۵) اشاره کرد که به طور مسند و با تفصیل گزارش شده است. همچنین در این کتاب برخی فضایل امیرالمومنین علی ع از زبان منصور داوینیقی نقل شده است.

طبری هر حدیثی را که نقل کرده ابتدا سند کامل آن را از استادان خود تا شاگردان ائمه و اصحاب پیغمبر ﷺ آورده و حتی اسامی دقیق و کامل استادان خود و همچنین تاریخ دقیق استماع حدیث و استفاده از محضر آن‌ها را ذکر کرده است. به طوری که نام بیش از ۲۰ استاد را برده که از سال ۵۰۳ تا ۵۱۸ از آن‌ها روایت شنیده است.

سندهای روایات موجود در فصل‌های چهارگانه کتاب کامل و مسند است، اما در بقیه فصول روایات هم به صورت مسند و هم مرسل نقل شده است (اغلب روایات فصل ۵ و ۶ و ۷ و ۹، هفت حدیث (به شماره‌های ۵ و ۱۲ - ۱۷) از فصل هشت، شش حدیث (به شماره های ۱۰، ۱۱، ۲۳ - ۲۶) از فصل ۱۰ و یک حدیث (به شماره ۱۵) از فصل ۱۱ مرسل است). نمونه‌ای از روایات مرسل و مسند را نقل می‌کنیم.

ذیل حدیث ۴۹ از جزء ۷: عن جابر: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دَعَا عَلِيًّا (عَلَيْهِ) وَهُوَ مُحَاصِرُ الطَّائِفِ، فَكَانَ الْقَوْمُ اسْتَشْرَفُوا لَدَيْكَ وَقَالُوا: لَقَدْ طَالَ نَجْوَاكَ لَهُ مُنْذُ الْيَوْمِ فَقَالَ: مَا أَنَا ائْتَجِيئُهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ائْتَجَاهُ» (طبری، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱).

ذیل حدیث ۵ از جزء ۲: أَحْبَبْنَا الشَّيْخَ الْمُفِيدَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيَّ قَرَأَهُ عَلَيْهِ فِي جُمَادَى الْأُولَى لِسَنَةِ إِحْدَى عَشْرَةَ وَخَمْسِ مِائَةِ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرِ الطُّوسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ

عنهما، قال: حدثنا الشيخ المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان الحارثي، قال: أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، قال: حدثني أبي عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن العباس بن معروف، عن محمد بن سنان، عن طلحة بن زيد، عن جعفر بن محمد الصادق، عن أبيه، عن جدّه (عليه السلام) قال: قال رسول الله ﷺ: «مَا قَبِضَ اللَّهُ نَبِيًّا حَتَّى أَمَرَهُ أَنْ يُوصِيَ إِلَى أَفْضَلِ عَثْرَتِهِ مِنْ عَصَبَتِهِ وَأَمَرَنِي أَنْ أُوصِيَ فَقُلْتُ: إِلَى مَنْ يَا رَبِّ؟ فَقَالَ: أَوْصِ يَا مُحَمَّدٌ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنِّي قَدْ أَتَيْتُهُ فِي الْكُتُبِ السَّابِقَةِ وَكُتِبَتْ فِيهَا إِنَّهُ وَصِيكَ وَعَلَى هَذَا أَخَذْتُ مِيثَاقَ الْخَلَائِقِ وَمَوَاطِيقَ أَنْبِيَائِي وَرُسُلِي أَخَذْتُ مَوَاطِيقَهُمْ (لى) بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلَكَ يَا مُحَمَّدُ بِالنُّبُوَّةِ وَلِعَلِّي بِنِ أَبِي طَالِبٍ بِالْوَلَايَةِ» (طبرى، ۱۴۲۰ ق: ۷۳).

سبک این کتاب روایی است و طبرى فقط در پنج مورد اظهار نظر کرده و در همه موارد بر ارزش والاى شيعه و قدر و منزلت آن تأکید کرده است. این موارد در ادامه آورده می شود تا دیدگاه شیخ طبرى بیشتر شناخته شود.

الف. ذیل حدیث ۲ از جزء ۲: قَالَ مُحَمَّدٌ بِنِ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِى مُصَنَّفِ هَذَا الْكِتَابِ: هَذَا الْخَبْرُ يَدُلُّ عَلَى وُجُوبِ الْوَلَايَةِ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، لِأَنَّ هَذِهِ الْخَيْرَاتِ كُلَّهَا إِنَّمَا تَحْصُلُ بِالْوَلَايَةِ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ (همان: ۷۲).

ب. ذیل حدیث ۲۷ از جزء ۳: قَالَ مُحَمَّدٌ بِنِ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِى مُصَنَّفِ هَذَا الْكِتَابِ: هَذَا الْخَبْرُ يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْمُؤْمِنَ هُوَ مَنْ تَمَسَّكَ بِوَلَايَتِهِمْ وَعَرَفَ حَقَّهُمْ وَأَطَاعَهُمْ وَحَفِظَ وَدِيعَةَ النَّبِيِّ ﷺ فِي مَرَاعَاتِهِمْ، وَأَنْ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ وَتَوَلَّى غَيْرَهُمْ وَقَدَّمَ غَيْرَهُمْ عَلَيْهِمْ فَقَدْ صَيَّعَ وَدِيعَةَ النَّبِيِّ ﷺ وَخَرَجَ عَنِ تَنَاوُلِ هَذَا الْإِسْمِ لَهُ لِأَنَّهُ ﷺ اسْتَوْدَعَهُمْ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَكُلَّ مَنْ حَفِظَهُمْ وَقَدَّمَ لَهُمْ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ فَهُوَ الْخَافِظُ لِوَدِيعَةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَا هُمْ إِلَّا الشَّيْعَةُ الْمُتَّقِدَةُ لَهُمْ الْمُطِيعَةُ لِأَمْرِهِمْ الْمُسَلِّمَةُ لِحُكْمِهِمْ الرَّاظِيَةُ بِقَضَائِهِمْ الْمُوَالِيَةُ لَهُمْ الْمُخَالِفَةُ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَغَيْرَهُمْ عَلَيْهِمْ قَدْ عَتَوْا عَنِ الْحَقِّ وَأَصَاعُوا (همان: ۲۰۳).

ج. ذیل حدیث ۴۳ از جزء ۷: قَالَ مُحَمَّدٌ بِنِ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِى مُصَنَّفِ هَذَا الْكِتَابِ: مَنْ تَأَمَّلَ فِي هَذَا الْخَبْرِ وَعَرَفَهُ بِأَنَّ لَهُ الْحَقَّ مِنْ وُجُوبِ مَعْرِفَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَفَرْضِ طَاعَتِهِمْ

وَمَوَدَّتِهِمْ وَفَضْلِهِمْ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ، وَتَبَيَّنَ لَهُ أَيْضًا مِصْدَاقُ قَوْلِي فِي صَدْرِ هَذَا الْكِتَابِ، مِنْ أَنَّ مَنْ يَدْعَى التَّشْيِيعَ يَجِبُ أَنْ يَعْرِفَهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ لِتَسْتَقِيمَ دَعْوَاهُ فِي مَحَبَّةِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَلِيَشُدَّ وُدَّهُ لَهُمْ وَيُثَبِّتَ تَفْضِيلَهُ عَلَى مَا سِوَاهُمْ، كَمَا قَالَ الْإِمَامُ: إِنَّ الْمَوَدَّةَ إِنَّمَا تَكُونُ فِي قَدْرِ مَعْرِفَةِ الْفَضْلِ (همان: ۳۶۰).

د. ذیل حدیث ۴۲ از جزء ۳: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيِّ: وَهِيَ الْعِصْمَةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَذِمَّتُهُ الَّتِي لَا تُخْفَرُ وَحَبْلُهُ الَّذِي مَنْ تَمَسَّكَ بِهِ لَمْ يَنْقَطِعْ عَنْهُ وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِالْتَّمَسُّكِ بِهِ، فَقَالَ: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا) يَعْنِي بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ (عليه السلام)، وَقَفْنَا لِلَّهِ وَإِيَّاكُمْ لِطَاعَتِهِ وَطَاعَةِ أَوْلِي الْأَمْرِ وَمَحَبَّتِهِ وَمَحَبَّتِهِمْ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَلِهِ (همان: ۲۱۷).

ه. ذیل حدیث ۲۶ از جزء ۱۰: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيِّ: الْبَشَارَةُ فِيهِ مَسْحُ دُمُوعِ فَاطِمَةَ مِنْ كَرَامَتِهَا عَلَى اللَّهِ وَعَلَيْهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَجَوَازُ الْبُكَاءِ أَيْضًا وَالتَّوَجُّعُ بِشَارَةً إِذَا لَمْ يَتَكَلَّمْ بِاللِّسَانِ الْقَبِيحِ وَلَمْ يَضْرِبْ بِالْيَدِ، وَشَيْءٌ آخَرَ فِيهِ لِلشَّيْعَةِ تَمَسُّكٌ بِهِ وَحُجَّةٌ قَوِيَّةٌ وَهُوَ الْمَعْرُوفُ الَّذِي أَنْكَرَهُ عُمَرُ وَإِنْكَارُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَدْخُلُ بِذَلِكَ فِي جُمْلَةٍ مَنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ: (يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ) الْآيَةَ، فَافْهَمْ (همان: ۴۲۰).

این کتاب از ترتیب و تنظیم ویژه ای که روایات آن را سهل الوصول و در دسترس گرداند، بر خوردار نیست. به عبارت دیگر روایات براساس یک معیار خاص مثل موضوع، تاریخ، روایات ائمه به صورت تفکیک شده، حروف الفبا و... تنظیم نگردیده و باید بازنویسی و بازسازی شود. تنها شگرد دسترسی موضوعی یا عنوانی به متن کتاب تهیه فهرستی کامل از احادیث، اعلام، و اسناد آن است که در چاپ‌های جدید تا حدودی حاصل شده است.

طبری نام این کتاب را بشاره المصطفی گذارده، اما کتاب فقط شامل روایات پیامبر اکرم (ص) نبوده و از ائمه اطهار (علیهم السلام) و نیز اشخاص دیگر (به ندرت) روایاتی نقل شده است. به عنوان نمونه حدیث ۵۸ و ۶۰ و ۷۹ از جزء دوم از امام محمدباقر (علیه السلام) حدیث ۶۲ از جزء دوم از امام رضا (علیه السلام)، حدیث ۷۶ از جزء دوم از امام صادق (علیه السلام)، حدیث ۱۷ از جزء سوم از امام

حسین (علیه السلام)، حدیث ۱۸ از جزء سوم از ابوهریره حدیث ۴۰ از جزء سوم از امام صادق (علیه السلام) و حدیث ۳۰ از جزء ششم از جابر بن عبدالله.

نیز علاوه بر روایات بشارات و فضایل شیعه موضوعات دیگر نیز به چشم می خورد. به عنوان نمونه موضوع چند حدیث ذکر می شود:

حدیث ۳۷ از جزء اول: زیارت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

حدیث ۶۱ از جزء دوم: فاطمه برتر بانوان دو جهان

حدیث ۷۸ از جزء دوم: زیارت امام حسین در شب نیمه شعبان

حدیث ۸۰ از جزء دوم: رفتار با برادر

حدیث ۱۸ از جزء سوم: دوستداران فاطمه

حدیث ۲۸ از جزء پنجم: نظر کردن بر چهره علی عبادت است.

حدیث ۲۴ از جزء ششم: گردن بند حسنین

شایان ذکر است در ذیل برخی از احادیث در کتب مذکور عباراتی آمده که با تامل در آن ها دیدگاه طبری بیشتر آشکار می شود، اما تبیین آن فرصتی دیگر می طلبد. برای نمونه:

۱. ترمذی در ذیل این حدیث «... فقال النبی ص: یا معاشر قریش لیبعثن الله علیکم رجلا منکم قد امتحن الله قلبه للایمان فیضربکم أو یضرب رقابکم، قال أبو بکر: أنا هو یارسول الله؟ قال: لا، قال عمر: أنا هو یارسول الله؟ قال: لا ولکنه خاصف النعل، وکان قد أعطی علیا نعله یخصفه» که حدیث ۳۷۹۹ از سنن ترمذی و مستخرج حدیث ۲۳ از جزء ۷ کتاب بشاره المصطفی است، این گونه می آورد: «هذا حدیث صحیح غریب لا نعرفه إلا من هذا الوجه من حدیث ربعی عن علی» (ترمذی، ج ۵: ۲۹۸).

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «ای جماعت قریش! به یقین خداوند مردی از خودتان بر شما برمی انگیزد که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده است، پس او شما را می زند یا گردن های شما را می زند.» (شما را مجازات می کند.) ابوبکر پرسید: «ای پیامبر خدا! آیا

آن مرد من هستم؟» فرمود: «نه.» عمر پرسید: «ای پیامبر خدا! آیا من هستم؟» فرمود: «نه، بلکه او کسی است که کفش را پینه می‌زد» و (پیامبر) نعل خود را به علی داده بود که آن را پینه بزند.

که این، حدیث شماره ۳۷۹۹ از سنن ترمذی و مستخرج حدیث شماره ۲۳ از جزء هفتم کتاب «بشارة المصطفى» است (ترمذی). این گونه (در مورد سند حدیث) می‌آورد: «این حدیث، صحیح و غریب است و ما آن را تنها از این طریق (سند) می‌شناسیم؛ از حدیث رُبَعِيّی که از علی روایت کرده است.»

در حالی که حاکم در المستدرک ج ۲: ۱۳۸ و ج ۴: ۲۹۸ نقل کرده و در آخر آورده: «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم، ولم یخرجاه!»

۲. ترمذی در ذیل این حدیث: «ان رسول الله ﷺ دعا عليا (عليه السلام) وهو محاصر الطائف، فكان القوم استشرفوا لذلك وقالوا: لقد طال نجواك له منذ اليوم فقال: ما أنا انتجيتة ولكن الله انتجاه» که حدیث ۳۸۱۰ از سنن ترمذی و مستخرج حدیث ۴۹ از جزء ۷ کتاب بشاره المصطفى است، این گونه می‌آورد:

«هذا حدیث حسن غریب لا نعرفه إلا من حدیث الاجلح و قد رواه غیر ابن فضیل عن الاجلح» (ترمذی، ج ۵: ۳۰۳)

۳. حاکم نیشابوری در ذیل این حدیث «أنا أصلها، وفاطمة فرعها، وعلى لقاحها، والحسن والحسين ثمارها، وشيعتنا أوراقيها و اصل الشجرة في جنه عدن و سائر ذلك في سائر الجنة» که حدیث ۳۵۳/۴۷۵۵ از المستدرک علی الصحیحین و مستخرج حدیث ۸ از جزء ۲ کتاب بشاره المصطفى است، این گونه می‌آورد:

«هذا متن شاذ و ان كان كذلك فإن اسحاق الدبري صدوق و عبدالرزاق و ابوه و جده ثقات و ميناء مولى عبدالرحمن بن عوف قد ادرك النبي ﷺ و سمع منه و الله اعلم» (حاکم نیشابوری، ج ۱۴۱۱، ق، ج ۳: ۱۷۵).

۲-۲-۷. ارزیابی وثاقت راویان کتاب و استناد علما به آن

عماد الدین محمد بن ابی القاسم طبری در مقدمه کتاب «بشارة المصطفى لشيععة المرتضى» چنین ذکر کرده است: «وَلَا أُذْكَرُ فِيهِ إِلَّا الْمُسْنَدَ مِنَ الْأَخْبَارِ عَنِ الْمَشَائِخِ الْكِبَارِ وَالثَّقَاتِ الْأَخْيَارِ»؛ یعنی «روایات مسند را جز از بزرگان مشایخ و برگزیدگان مورد اطمینان نقل نکرده‌ام». گرچه عبارت طبری در مقدمه کتاب بشاره المصطفى، نشان می‌دهد که تمامی راویان موجود در اسناد کتاب خود را توثیق کرده است، اما به نظر می‌رسد قصد مصنف توثیق کردن همه راویان سلسله اسناد کتاب نیست و به احتمال زیاد مقصود مصنف این است که روایاتش را از مشایخ معروف و راویان اهل ثقه نقل کند که مورد اعتماد اوست نه اینکه بخواهد تمام راویان موجود در سلسله اسناد کتاب را توثیق کند. درباره دامنۀ این وثاقت می‌توان گفت در عبارت «وَلَا أُذْكَرُ إِلَّا الْمُسْنَدَ مِنَ الْأَخْيَارِ عَنِ الْمَشَائِخِ الْكِبَارِ وَالثَّقَاتِ الْأَخْيَارِ» ممکن است ال و لامی که بر سر کلمات «المشایخ» و «الثقات» آمده است، افاده عموم کند و شامل تمام راویان شود، اما به دلایلی مانند وجود موارد نقض مثل ضعیف یا عامی بودن برخی راویان و نیز وجود روایات مرسل، وثاقت تمام راویان کتاب قابل قبول نیست. نتیجه اینکه فقط مشایخ بدون واسطه طبری که در مجموع ۱۴ نفر هستند مورد قبول قرار می‌گیرند (صالحی، ۱۴۰۱: ۳۳). نیز از عبارت فوق بر می‌آید روایات کتاب مسندند، اما همچنان که قبلاً اشاره شد روایات مرسل نیز وجود دارند.

آیت الله خویی معتقدند مستند توثیق عام راویان کتاب بشاره المصطفى بر اساس حدس و اجتهاد است، جناب طبری از متاخران است و توثیق متاخران بر فرض صحت آن، فقط دربرگیرنده راویان معاصر آن‌هاست؛ زیرا توثیق باید خبر حسی باشد نه حدسی (خویی، ۱۳۷۲ ق، ج ۱: ۵۲).

این انتقاد را این‌گونه پاسخ می‌دهند:

الف. طبری در عصر پس از شیخ طوسی می‌زیسته و با یک واسطه از او نقل می‌کند؛ بنابراین مشکلی نیست که ایشان خبر حسی داشته باشد؛

(رقیه علی زاده)

ب. حجیت قول رجالی بنا بر اطمینان است و از سخن طبری اطمینان حاصل می‌شود؛ بنابراین سخن او برای ما کافی است (سند، ۱۴۲۹ق: ۸۹-۹۰) به عبارت دیگر علت عدم توثیق تمامی روایان کتاب بشارة المصطفى نه به دلیل اشکال آیت الله خویی، بلکه به دلیل وجود روایان عامی و ضعیف و روایات مرسل غیر قابل قبول است.

انصاف این است اشکالاتی مانند کثرت نقل از ضعفاً بر این کتاب وارد نیست و کتاب بشارة المصطفى از کتاب‌های مورد اعتماد علمای شیعه است. انتساب کتاب بشارة المصطفى به طبری و تطابق نسخه موجود با اصل کتاب، قطعی است (رحمان ستایش، ۱۳۸۷: ۵۰؛ پاک‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۸) این منبع غنی معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) از زمان تألیف تاکنون (حدود ۹ قرن) مورد توجه دانشمندان و متکلمان امامیه قرار داشته و از این گنجینه معنوی استفاده کرده‌اند. قطب راوندی، سید ابن طاووس، شیخ حر عاملی و بسیاری از مشاهیر علما از این کتاب بهره برده‌اند. امروزه نیز هیچ محقق شیعی، در دفاع از اعتقادات شیعه و دفع شبهات از آن، بی‌نیاز نیست (پاک‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۸). صاحب وسائل طرق معتبری برای این کتاب نقل کرده است که نشان می‌دهد مولف این کتاب عالم بزرگوار عماد الدین طبری است.

۳. نتیجه‌گیری

کتاب «بشارة المصطفى لشعبة المرتضى» مهم‌ترین اثر عمادالدین طبری از علمای قرن ششم است که در ۱۷ جزء تنظیم و مرتب شده، اما فقط از ابتدای کتاب تا پایان جزء یازدهم آن در دسترس است. روایات کتاب فعلی، تا جزء چهارم کاملاً مسند بوده و به دلیل اشتغال بر اسانید تازه و ذکر شماری از عالمان شیعی ایران در سده‌های پنجم و ششم، به‌ویژه در خصوص اسانید زیدیان کوفه، کمال اهمیت را دارد. عماد الدین طبری در بشارة المصطفى، ضمن استفاده از منابع مهم شیعه و اهل سنت، عمده احادیث خود را بر دو منبع گزارده است: شیخ طوسی و در مرحله‌ای پایین‌تر شیخ صدوق. سبک این کتاب روایی است و طبری فقط در پنج مورد اظهار نظر کرده و در همه موارد بر ارزش والای شیعه و قدر و منزلت آن تأکید کرده است.

روایات بشارات جزئی از روایات فضایل است که به انگیزه‌های مختلف احتمال جعل در آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین در استناد به این گونه روایات باید با احتیاط عمل کرد. کتاب بشارة المصطفی از کتاب‌های مورد اعتماد علمای شیعه است. این کتاب از منابع مهم علامه حلی، علامه مجلسی، محقق بحرانی، شیخ حر عاملی و دیگران در تدوین و تألیف کتاب‌های فقهی، کلامی، حدیثی و ادعیه به شمار می‌رود.

منابع و مآخذ

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۳۸۷ق). **شرح نهج البلاغه**. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث. ابن اثیر. (۱۳۸۵). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار صادر.
- ابن بابویه رازی، منتجب الدین. (۱۳۶۶). **الفهرست**. قم: چاپ سید جلال الدین محدث ارموی، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۸۰). **معالم العلماء**. نجف: چاپ سید محمد صادق آل بحر العلوم.
- ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی. (۱۴۱۴). **إقبال الأعمال**. قم: چاپ جواد قیومی اصفهانی.
- ابن مغزلی، علی بن محمد. (بی تا). **مناقب الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)**. بیروت: دار الاضواء.
- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۰۵ق). **لسان العرب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصغریور، حسن. (۱۳۸۶). «درآمدی بر مناقب نگاری اهل بیت (علیهم السلام)». **علوم حدیث**. شماره ۴۵ و ۴۶. صص: ۲۶۵-۲۹۸.
- افندی، میرزا عبدالله. (۱۴۰۱ق). **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**. قم: مطبعه الخیام.
- امین عاملی، سید محسن. (بی تا). **أعیان الشیعة**. بیروت: دار التعارف.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ. (۱۴۰۳ق). **النذریة الی تصانیف الشیعة**. بیروت: دار الاضواء.
- امینی، عبدالحسین. (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷). **الغدیر فی الکتب و السنة و الادب**. بیروت: دار الکتب العربی.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (بی تا). **الجامع الصحیح (سنن الترمذی)**. تحقیق احمد محمد شاکر و دیگران. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. چاپ چهارم. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حاکم النیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). **المستدرک علی الصحیحین**. مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حرا عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). **أهل الأمل**. تحقیق السید احمد الحسینی. بغداد: مکتبه الاندلس.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۷۲ق). **معجم رجال الحدیث**. قم: الثقافة الاسلامیه.
- رحمان ستایش، محمد کاظم. (۱۳۸۷). **توثیقات عام و خاص**. قم: دانشگاه علوم قرآن و حدیث.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۸ق). **موسوعة طبقات الفقهاء**. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- سند، محمد. (۱۴۲۹ق). **بحوث فی مبانی علم الرجال**. محمد صالح تبریزی. قم: نشر مدین.
- صالحی، علی؛ دلبری، علی. (۱۴۰۱). «توثیق عام و کتاب بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى». **معارف علوم اسلامی و علوم انسانی**. شماره نهم. صص: ۲۳-۳۴.
- طبری، عمادالدین. (۱۴۲۰ق). **بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى**. تحقیق جواد قیومی. قم: جامعه مدرسین.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۰۸ق). **مجمع البحرين و مطلع النیرین**. تحقیق احمد حسینی. بی جا. مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه.
- عسقلانی، ابن حجر. (۱۳۹۰ق). **لسان المیزان**. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**. تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای. بی جا. دارالهجرة.

- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. (بی تا). **القاموس المحیط**. بیروت: دارالعلم.
- عبدالکریم، پاک‌نیا. (۱۳۸۷). «آشنایی با منابع دست اول شیعه (بشاره المصطفی لشيعه المرتضى)». **مبلغان**. شماره ۱۰۷. صص: ۱۶۷-۱۶۹.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- معارف، مجید. (۱۳۸۸). **مباحثی در تاریخ حدیث**. تهران: انتشارات نبأ.
- موسوی، سید محسن. (۱۴۰۰). «گونه‌شناسی روایات غدیر در بشاره المصطفی». **پژوهش نامه علوی**. سال ۱۲. شماره ۲۳. صص: ۲۹۳-۳۰۹.
- ندیمی تهرانی، طاهره؛ توحیدی، امیر؛ معارف، مجید. (۱۴۰۰). «اعتبارسنجی احادیث رستگاری شیعیان در نسخه خطی «سلم درجات الجنة» با رویکردی بر شواهد و متابعات فریقین». **پژوهش دینی**. دوره ۲۱. شماره ۴۳. صص: ۲۲۳-۲۴۹.
- نعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (بی تا). **الغیبة**. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: مکتبه صدوق.
- هدایت‌پناه، محمدرضا. (۱۳۸۳). «درآمدی بر شناخت شکل‌گیری و تطور صحابه نگاری (۱)». **تاریخ درآینه پژوهش**. شماره ۴. صص: ۱۹۷-۲۳۶.

A Critical Evaluation of the Book Bishārat al-Muṣṭafā li-Shī'at al-Murtaḍā

Roghayyeh Alizadeh ¹

Received: October 04 , 2025

Revised: December 23 , 2025

Accepted: December 24 , 2025

Abstract

The book "Basharat al-Mustafa li-Shi'at al-Murtada" by Imad al-Din Qasim al-Tabari was written to document the virtues of the Prophet's Household (peace be upon them), with the virtues of Imam Ali (peace be upon him) occupying the largest portion. This book is used by scholars in religious research and studies related to the Quran and the Prophet's Family, making the validation of its narratives and content particularly important.

The aim of this research is to outline the methodology and examine the authenticity of the contents of this book, as well as to present evidence supporting the truth of Shia Islam. The research is conducted through a library-based approach, relying on content analysis after referring to diverse sources and taking notes from them. Upon examining and investigating the content of the book, it was concluded that "Basharat al-Mustafa li-Shi'at al-Murtada" is a reliable work in establishing the status of the Imams and the truth of Shia Islam, as well as in introducing Shia scholars. It predominantly contains well-documented narrations gathered from important sources of both Islamic schools of thought. However, the book does have some shortcomings, such as imprecision in certain hadith wordings and incomplete citations of hadith sources.

Keywords

Virtues, Ahl al-Bayt, Shia, Tabari, Bishara al-Mustafa.

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran: r.alizadeh@pnu.ac.ir